یادداشت

آموزش و پرورش یک تجربه جهانی، یک مسئله ملی

ادامه از صفحه اول

نگهبانی از محیط زیست، پایبندی به مقررات اجتماعی، پرداخت مالیات و...) و بر پایه اقتصاد و دانش‌بنیان صورت گرفته تا بتواند انسان‌هایی را تربیت کند که محور توسعه و پیشرفت کشور خود باشند و در یک کلام از افرادی جنگاور و ماجراجو، انسان‌هایی توسعه‌یافته، مسئول، متعهد و شهروندانی در خدمت موفقیت و سربلندی سرزمین خود ساخته است و یک کشور جنگی را به یک کشور توسعه‌یافته تبدیل کردند. در این یادداشت کوتاه، نگارنده در تلاش برای مقایسه ایران با کشورهای اسکاندیناوی نیست که مقایسه‌ای ناهمگون و دور از واقعیت خواهد بود؛ بلکه به دلیل اخبار بسیار نگران‌کننده‌ای که از آموزش و پرورش به گوش می‌رسد و می‌تواند به وقوع یک فاجعه منجر شود، به بازخوانی یک تجربه جهانی پرداختیم تا شاید در نگرش مسئولان آموزشی کشور تغییر و تحولی ایجاد کند. درحالی‌که آموزش و پرورش از ناترازی‌های مهمی مانند کمبود معلم، کمبود فضای آموزشی، عدالت آموزشی، کاهش سهم بودجه از تولید ناخالص ملی و... رنج می‌برد، اخبار موثقی وجود دارد که مدیران آموزش و پرورش برای رفع کمبود معلم مورد نیاز خود که بر اساس برخی آمار منتشرشده حدود ۱۷۰ هزار نفر است، به صورت غیرحرفه‌ای و شتاب‌زده با فراخوان عمومی و بدون گزینش‌های علمی و گذراندن دوره‌های تخصصی تربیت معلم، مبادرت به جذب و استخدام افرادی کرده‌اند که حداقل صلاحیت‌های معلمی را هم ندارند. اینکه آموزش و پرورش اعلام می‌کند امسال هیچ کلاس درسی بدون معلم نخواهد بود، ظاهری توجیه‌گرانه اما حقیقتی تلخ و نگران‌کننده در پی دارد. مدیران آموزش و پرورش فراموش کرده‌اند که این دستگاه بزرگ، یک وزارتخانه بنیادی و راهبردی است و پیش‌نیاز توسعه کشور و تربیت نیروی انسانی کارآمد هم از مسیر مدرسه آغاز می‌شود و البته مهم‌تر از مدرسه، تخصص، شخصیت و نقش معلم در فرایند آموزش است. گرچه در پیدایش بحران‌های ناترازی آموزش و پرورش، به‌ویژه کمبود معلم، نباید از ناتوانی و غفلت شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزرای ناکارآمد، مدیران منابع انسانی، نگرش ناصحیح دولت‌ها و به‌ویژه سازمان امور اداری و استخدامی در سال‌های گذشته و بازنشستگی پیش‌هنگام معلمان و... چشم‌پوشی کرد. همگی به یاد داریم که یکی از شعارهای مهم آقای دکتر پزشکیان در دوره انتخابات، تأکید ایشان بر شاخص تخصص و معیارهای علمی در انتصابات و گزینش‌ها و سپردن مسئولیت‌ها به افراد واجد شرایط بود. اینک این پرسش مطرح است که آموزش و پرورش و شورای عالی آن با کدام شاخص اجازه می‌دهد که چند هزار نفر از نیروهایی که کمترین و کوتاه‌ترین دوره‌های تخصصی معلمی و حتی یک ساعت آموزش تدریس را سپری نکرده‌اند، در بنیادی‌ترین نهاد آموزش کشور به کار گمارده شوند و فرزندان آینده‌ساز کشور را به دست آنها بسپارند؟ آیا مدیران دولت و آموزش و پرورش آمادگی دارند فرزندان دلبند خود را به چنین مدارسی بفرستند؟

اینک ضمن هشدار مجدد به رئیس‌جمهور محترم و رئیس شورای عالی آموزش و پرورش و مدیران این وزارتخانه درباره رخداد فاجعه‌آمیز اعزام افراد آموزش‌ندیده به‌عنوان معلم به کلاس‌های درس، چند پیشنهاد را مطرح می‌کنم، امید است که مورد توجه جدی قرار گیرد: ۱. دولت محترم، وزارت آموزش و پرورش را به‌عنوان یک وزارتخانه راهبردی و زیربنایی به رسمیت بشناسد و نسبت به تخصیص سهم آموزش و پرورش از تولید ناخالص ملی از ۳/۵ درصد فعلی به شش درصد آغاز انقلاب برای جبران ناترازی‌های موجود اقدام کند. تبصره: فصل آموزش و پرورش در برنامه هفتم بازنگری و متناسب با نقش سرنوشت‌آفرین این وزارتخانه در توسعه کشور، احکام و منابع و تدابیری جدی و اساسی را جایگزین احکام قبلی کند. ۲. بازگشایی مراکز تربیت معلم در کشور و افزایش سهمیه آنان و تأمین بودجه لازم برای راه‌اندازی مراکز مذکور که به دلیل نابخردی در گذشته تعطیل شده، گرچه راهکاری زمان‌بر است اما منطقی و اصولی است. ۳. متوقف‌کردن حضور افراد کارنیازموده، دوره‌ندیده و غیرمتخصص در کلاس‌های درس. ۴. تأمین معلمان مورد نیاز از طریق افزایش دستمزد حق‌التدریس از میان بازنشستگان و معلمان فعال و کادرهای آموزشی و فراخوان موقت بازنشستگان به کار برای جبران بخشی از کمبود معلمان می‌تواند به صورت کوتاه‌مدت بخشی از بحران کمبود معلم را کاهش دهد. ۵. کاهش کادرهای اداری آموزش و پرورش که به‌شدت و غیرمتعارف افزایش یافته و اعزام آنها به دوره‌های معلمی کوتاه‌مدت و کلاس‌های درس برای تأمین بخش دیگری از کمبود معلم. ۶. بهره‌گیری از تجارب سایر کشورهای جهان برای بازتعریف نقش آموزش و پرورش در توسعه ملی و جایگاه معلم در نظام آموزش و پرورش کشور، موضوعی ضروری است که باید مدیران به آن اهتمام ویژه داشته باشند. در پایان، این نکته مهم شایسته تأکید است که امروز دولت چهاردهم میراث‌دار بحران ناترازی‌های فراوان ازجمله در آموزش و پرورش است که عامل آن نیست، اما وظیفه بایسته و فوری دولت جدید توقف سریع روندهای نادرست گذشته از یک سو و اقدامات ایجابی عاقلانه، خردمندانه، مسئولانه و سریع برای جبران ناترازی‌ها از سوی دیگر است. به آن امید که موجب پیشگیری از وقوع یک فاجعه در آموزش و پرورش و آینده کشور شود.

جابه‌جایی پایتخت یا نجات تهران؟

بهره‌وری‌ها و خسارت‌ها؛ احتمال و امکان- بخش دوم

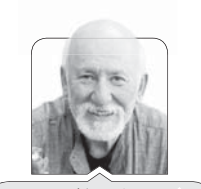

علی کیافر*

بخش اول این مقاله که در روز ۱۲ مهرماه ۱۴۰۳ در روزنامه «شرق» به چاپ رسید، زمینه‌ای درباره تجربیات انتقال پایتخت‌های چندین کشور دیگر، به‌ویژه در کشورهایی با شباهت‌هایی به ایران، به دست داد. همچنین درس‌هایی از آن تلاش‌ها که می‌توانند و باید برای چنین برنامه‌هایی در نظر گرفته شوند، در بخش نخست مطرح شد. در این بخش، بخش دوم و نهایی، به بررسی و تحلیل مزایا و اشکالات (جنبه‌های مثبت و منفی) احتمال انتقال تهران، کلان‌شهر اصلی و پایتخت ایران، پرداخته خواهد شد. بحث من دربرگیرنده نگاهی به میزان پذیرفتنی‌بودن و واقع‌گرایانه‌بودن فکر انتقال پایتخت ایران خواهد بود، حتی اگر نیت واقعی برای چنین انتقالی وجود داشته باشد و تنها سخنی بی‌پشتوانه نباشد.

چارچوبی برای درنظرگیری انتقال تهران

انتقال پایتختی مانند تهران می‌تواند جنبه‌های مثبت و منفی مختلفی داشته باشد، که عمدتا بستگی به زمینه و اهداف چنین حرکتی دارد. در زیر به تفکیک منفعت‌ها و ضررهای احتمالی انتقال پایتخت ایران پرداخته شده است.

الف- جنبه‌های مثبت

یک- کاهش ترافیک، آلودگی هوا و تراکم جمعیت

ترافیک: تهران به داشتن ترافیک سنگین مشهور است. انتقال پایتخت در صورت برنامه‌ریزی درست و اجراشدنی، اگر که توانایی‌های مورد نیاز وجود داشته باشد، می‌تواند به کاهش مشکلات رفت‌وآمد خودروها در شهر فعلی کمک کند.

آلودگی هوا: به همان نسبت حجم و شدت ترافیک و حتی بیشتر از آن، تهران از آلودگی هوا بسیار رنج می‌برد. براساس آمار، تنها ۱۵ روز در سال، تهران هوای پاک دارد. تعداد بسیار زیاد روزهای هوای آلوده تهران و درصد آلودگی آن بیشتر از سطح قابل پذیرش برای سلامتی افراد، به‌ویژه کودکان و سالمندان و شهروندانی است که به ناراحتی‌های ریوی دچار هستند. انتقال پایتخت می‌تواند امکان داشتن هوای تمیز یا کمتر آلوده را به وجود بیاورد. با توجه به پیامدهای زیان‌بار، تهران به کلان‌شهری با مشکلات بسیار جدی محیط زیست و ملموس‌ترین میزان آلودگی هوا، نه‌تنها در آسیا، بلکه در تمام جهان تبدیل شده است. براساس گزارشی در میانه آبان ۱۳۹۹، تهران پس از جاکارتا، پایتخت اندونزی، هفتمین شهر دنیا از نظر آلودگی محیط زیست بوده است.

تراکم جمعیت: با جمعیتی بیش از ۱۳.۵ میلیون نفر، تهران شهر بسیار متراکم و پرجمعیتی است. تراکم جمعیت تهران ۹ برابر تراکم بی جینگ (پکن) پایتخت چین است. براساس آمار خبرگزاری‌های داخل ایران، تراکم جمعیتی تهران بزرگ در بعضی نقاط بیش از ۱۰ هزار نفر در کیلومتر مربع است.

کمبود فضای باز و سبز: تهران به میزان زیادی دچار کمبود فضای سبز است. بررسی آمار شهری نشان می‌دهد که مساحت فضای سبز تنها ۱۰ درصد مساحت شهر تهران را در بر می‌گیرد. در پاره‌ای از مناطق این میزان بسیار پایین‌تر است. در کل منطقه ۱۰ تهران تنها ۳.۲۵ درصد شهری به فضای سبز اختصاص دارد و ۱۲۲ بلوک شهری از کل ۱۲۵ بلوک فاقد هرگونه فضای سبز است.

اگر با برنامه‌ریزی صحیح و اجرای مناسب همراه باشد، جابه‌جایی پایتخت می‌تواند فشار بر زیرساخت‌ها، تراکم جمعیتی و کمبود و نارسایی مسکن تهران را کاهش دهد؛ فضای سبز و فضاهای باز و تفریحی مورد نیاز را افزایش دهد و در مقیاسی کلی، شرایط زندگی ساکنان را بهبود بخشد.

دو- توسعه متوازن منطقه‌ای

رشد اقتصادی: انتقال یک پایتخت با برنامه‌ریزی درست و با شرایط مناسب می‌تواند به توسعه اقتصادی و فیزیکی متوازن‌تر در سراسر کشور کمک کند و نیز به توسعه دیگر مناطق کشور و کاهش تفاوت‌های توسعه‌محور و رشد اقتصادی و پیشرفت تولیدات در یک گستره منطقه‌ای منجر شود.

زیرساخت‌ها: سرمایه‌گذاری جدید و ایجاد زیرساخت‌ها نه‌تنها در پایتخت جدید بلکه در منطقه پیرامونی آن می‌تواند باعث رشد و نوسازی و توسعه در آن منطقه شود و بهبود خدمات و امکانات برای ساکنان را به دنبال داشته باشد؛ مزیتی که اکثر ساکنان کنونی تهران به‌شدت از آن محروم هستند.

سه- ملاحظات راهبردی (استراتژیک)

امنیت: مکان جدید می‌تواند و حتی می‌توان گفت باید، به دلایل استراتژیک انتخاب شود. با قراردادن پایتخت دورتر از مرزها یا مناطق آسیب‌پذیر که ممکن است در معرض شرایط و برخوردهای خصمانه قرار داشته باشند، می‌توان امنیت ملی را بهبود بخشید.

برتری‌های جغرافیایی: بسیار مناسب، اگر نه حیاتی، خواهد بود که مکان جدید پایتخت ایران در موقعیت مرکزی‌تری در کشور قرار گیرد؛ یا محلی که دارای شرایط محیطی خاص و کم‌مشکل، مانند در معرض بلایای طبیعی کمتر بودن است، برای آن در نظر گرفته شود. ازجمله ویژگی‌های طبیعی پایتخت جدید، موقعیت جغرافیایی آن باید شامل مناطقی از کشور باشد که از منابع آب کافی محروم نباشند، در شرایط اقلیمی نامناسب قرار نداشته باشند و تا حد امکان دسترسی باکیفیت به نقاط مختلف کشور داشته باشند. درنظرگرفتن دیگر عوامل حیاتی در روند انتخاب مکان پایتخت بسیار مهم است.

چهار- فرصت‌های قابل بهره‌بری برای برنامه‌ریزی شهری

برنامه‌ریزی و طراحی شهری کوتاه‌مدت تا بلندمدت: پایتخت جدید می‌تواند فرصتی برای برنامه‌ریزی شهری نوین به معنای واقعی کلمه باشد، برای بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت (برای پنج سال اول)، میان‌دوره (تا ۱۵ سال) و بلندمدت (۲۵ سال و پس از آن). این برنامه‌ریزی و طراحی مناسب باید با اشراف و سازگار با واقعیت‌های فرهنگی، اقلیمی و اجتماعی کشور و محلی برای ارتقای کیفی ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی کشور باشد. درعین‌حال لازم است که ایجاد یک پایتخت جدید ادغام شیوه‌های توسعه پایدار و زیرساخت‌های پیشرفته برای امروز تا آینده را در نظر داشته، آنها را برنامه‌ریزی و اجرا کند.

شیوه‌های کارسازیا نوین و کارساز: برنامه‌ریزی برای ایجاد یک پایتخت جدید این فرصت را فراهم می‌آورد که راه‌حل‌های نوآورانه -هم کمّی و هم کیفی- برای تولید مسکن، حمل‌ونقل، فضاهای سبز و باز و خدمات عمومی در نظر گرفته و اجرا شوند.

پنج- تنوع و تکثر اقتصادی

فرصت‌های جدید و متوازن: ایجاد و توسعه پایتخت جدید -اگر به‌درستی و با اتکا بر روش‌های علمی و آزموده‌شده برنامه‌ریزی و اجرا شود- می‌تواند فرصت‌های اقتصادی جدیدی در سطح منطقه و حتی همه کشور ایجاد کند، توزیع درآمد و رفاه متوازن‌تر و عادلانه‌تر را ممکن کند و نیز امکانات و فرصت‌های تجاری و بازرگانی محلی را در یک منطقه به طور صحیح توسعه‌یافته افزایش دهد.

ب- جنبه‌های منفی

یک- هزینه‌های بالا

هزینه‌های انتقال: هزینه‌های انتقال یک پایتخت بسیار زیاد است و شامل ساخت ساختمان‌های جدید دولتی، زیرساخت‌ها و مناطق مسکونی می‌شود. درباره تهران، با تراکم و تمرکز بالای جمعیت، عملکردهای دولتی و ساختمان‌ها، این هزینه‌ها از دیگر پایتخت‌ها بیشتر خواهد بود.

اختلال اقتصادی: انتقال می‌تواند فعالیت‌های اقتصادی موجود را مختل کرده و منجر به خسارت‌های موقت و حتی بلندمدت شود. با درنظرگرفتن ناکارآمدی‌های شناخته‌شده و اثبات‌شده در تهران در طیف وسیعی از بخش‌های عمومی و حتی خصوصی، چنین اختلالاتی احتمالا بسیار بیشتر از موارد مشابه در جهان خواهد بود.

دو- جابه‌جایی و تأثیرات اجتماعی

جابه‌جایی جمعیت: انتقال پایتخت می‌تواند -و به احتمال زیاد خواهد کرد- منجر به جابه‌جایی صدها هزار (اگر نه میلیون‌ها) ساکن شود که این امر به چالش‌های اجتماعی و اقتصادی منجر می‌شود. با توجه به برنامه‌ریزی ضعیف، ناکارآمدی، ناتوانی و اجرانشدن مناسب که به‌وضوح در دولت مشاهده شده است، چنین جابه‌جایی‌ای احتمالا بسیار بزرگ خواهد بود.

تأثیر فرهنگی: تهران دارای اهمیت فرهنگی و تاریخی غنی است. با توجه به آنچه درباره سیاست‌ها و نبود کارایی دولتی دیده شده و می‌شود، جابه‌جایی پایتخت به احتمال خیلی زیاد منجر به از دست رفتن هویت و میراث تاریخی خواهد شد. نقاط و ساختمان‌های بسیاری رو به کاهش کیفی و از دست دادن ویژگی‌های ارزشمند خود خواهند شد.

سه- چالش‌های اجرائی

مسائل لجستیکی: فرایند انتقال عملیات و نهادهای دولتی به مکان جدید پیچیده است و در هر وضعیت معمولی ممکن است با چالش‌های لجستیکی درخورتوجهی مواجه شود. با توجه به نبود برنامه‌ریزی و اجرای مناسب و ترکیب آن با ناکارآمدی‌ها و ناتوانی‌ها، این مسائل به‌وضوح مشاهده می‌شود.

مقاومت در برابر تغییر: ممکن است از طرف جمعیت و مقامات دولتی که به تهران عادت کرده‌اند، مقاومتی وجود داشته باشد که به تأخیرها و مشکلات احتمالی در انتقال منجر شود.

چهار- زیرساخت‌ها و خدمات

ساخت زیرساخت‌ها: توسعه زیرساخت‌های جدید برای پشتیبانی از یک پایتخت نیازمند زمان و منابع است. در این دوره، خدمات و تأسیسات ممکن است ناکافی باشند.

مرحله یادگیری: مکان جدید ممکن است در ابتدا فاقد سیستم‌ها و خدمات به‌خوبی تثبیت‌شده‌ای باشد که تهران فعلا ارائه می‌دهد. زمان لازم برای یادگیری، استفاده از تجربه‌ها و به انجام رساندن آنها -به‌ویژه با توجه به ویژگی‌های سیاست‌گذاری و عملکردها- در شهر جدید و منطقه پیرامونی آن بی‌شک طولانی خواهد بود، حتی اگر عملی باشد.

پنج- ناپایداری اقتصادی و سیاسی

ناپایداری احتمالی: انتقال ممکن است دوره‌هایی از ناپایداری سیاسی و اقتصادی را ایجاد کند که می‌تواند بر ثبات و رشد کلی کشور تأثیر بگذارد. این مقوله تنها یک نگرانی خیالی نیست. قطعا رخ خواهد داد. این را که آیا این ناپایداری در درازمدت به سود کشور و اکثریت مردمان آن خواهد بود یا نه، فقط آینده نشان خواهد داد.

کلامی کوتاه

درحالی‌که انتقال پایتخت ایران از تهران می‌تواند مزایایی مانند کاهش ترافیک و توسعه منطقه‌ای متوازن‌تر را به همراه داشته باشد، همچنین چالش‌های درخورتوجهی ازجمله هزینه‌های بالا، جابه‌جایی اجتماعی و موانع لجستیکی را به دنبال دارد. موفقیت چنین حرکتی به طور عمده به برنامه‌ریزی دقیق، اجرای استراتژیک و رسیدگی مؤثر به اختلالات بالقوه بستگی خواهد داشت.

یک واقعیت انکارناپذیر

یافتن مکانی در ایران که از نظر تأمین آب، دسترسی به منابع طبیعی، توانایی دریافت آسان زیرساخت‌ها و خدمات مورد نیاز و شرایط اقلیمی مناسب برای تأسیس یک پایتخت جدید باشد، بسیار دشوار است و شاید غیرممکن. منطقه شمالی با مشکلاتی در تأمین آب و تخریب جنگل‌های هیرکانی مواجه است، درحالی‌که طبق تحقیقات ناسا، قسمت جنوبی ایران در ۲۰ سال آینده قابل سکونت نخواهد بود. این منطقه در سال جاری دماهایی تا ۷۲ درجه سلسیوس را ثبت کرده است. منطقه مرکزی نیز با مشکل شدید فرونشست زمین مواجه است و هیچ راه‌حل عملی برای اصلاح آن وجود ندارد. استان‌های شرقی و غربی به دلایل متعددی ازجمله روابط ناپایدار یا خصمانه با نیروهای سیاسی و رژیم‌های حاکم کشورهای همسایه، از نظر ژئوپلیتیکی و استراتژیک مناسب نیستند. بنابراین تنها راه‌حل ممکن برای نجات تهران، از یک سو برنامه‌ریزی درست، عمل‌گرایانه و پایدار برای رفع مشکلات گوناگون آن است: ایجاد مسکن مورد نیاز و درعین‌حال باکیفیت، افزودن به فضای سبز و خدمات مورد نیاز مردمان، کم‌کردن ترافیک بسیار سنگین و نزدیک‌کردن وضعیت مالی و دارایی مردم از قشرها و طبقات مختلف بخشی از این‌گونه اقدامانی هستند که باید انجام گیرند. از سوی دیگر نیاز به اتخاذ تدابیر فوری و ایجاد فرهنگ در میان مردم برای اصلاح الگوهای مصرف آب، برق و انرژی است. در غیراین‌صورت، جمعیت بیشتر و بیشتر در گرداب مشکلات تهران گرفتار خواهد شد. بسیاری از راه‌حل‌های کاربردی و مورد نیاز باید از سوی تصمیم‌سازان توانمند، سیاست‌مداران با نیت‌های خوب و توانایی‌ها و نیروهای فنی مانند برنامه‌ریزان شهری و معماران مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته، به مردمان آموزش مناسب و بجا داده شود و حتی انجام این راه‌حل‌ها اجباری شوند. استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و آب‌های خاکستری نباید تنها به صورت شعار باقی بماند و باید از هر روش ممکن برای استفاده از آنها اقدام شود.

از موارد دیگر که می‌توانند در پایین‌آوردن مشکلات شهر تهران کمک کنند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

● تغییر کاشت درختان نیازمند به آب زیاد و برگ‌ریز که در زمستان که نیاز به تصفیه هواست، در خواب طبیعی خود هستند، به درختان همیشه سبز ضروری است.

● جلوگیری از انحراف منابع آب بالادست از تهران از طریق ساخت کانال‌های بتونی و احیای سفره‌های آب زیرزمینی تهران، از اقدامات حیاتی است.

● حفظ و مالکیت باغات تهران از طرف شهرداری، همراه با اجرای طرح‌های حفاظت و نوسازی، باید در اولویت قرار گیرد. به جای آنکه از سطح و کیفیت باغ‌ها کم و کمتر شود؛ سیاستی که با در نظر گرفتن ساخت بناهای غیر نیاز در آن باغ‌ها در حال گفت‌وگو و انجام است.

* همچنین، تعویض وسایل نقلیه با مصرف بالا با وسایل نقلیه هیبریدی و برقی به قیمت‌های واقعی بین‌المللی و بسیاری از ابتکارات دیگر ضروری است.

متأسفانه، سازمان‌های مربوطه درحال‌حاضر از تخصص لازم و توانایی‌های کلیدی برای اجرای مؤثر این اقدامات برخوردار نیستند. اما امید به آینده و بهبود را نباید از دست داد. آنچه را که نیاز است، باید گفت، حتی اگر گوش شنوایی نباشد و توان به‌کارگیری و اجرای آنها را.

من آنچه شرح بلاغ است با تو می‌گویم/ تو خواه از سخنم پند گیر، خواه ملال (پندی از سعدی).

* معمار، شهرساز، پژوهشگر و استاد دانشگاه در کالیفرنیای آمریکا

جدول ۴۹۰۰ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- اشاره به دور- خوابیدن- حالت مجبور بودن یا معذوریت ۲- سالخورده و پیر- نمایندگی- زمین آذری ۳- مقر سازمان ملل- شهرهای عرب- صندوقچه رخت و لباس قدیمی ۴- زنگ فلز- رمانی نوشته سر والتر اسکات- رقیق ۵- بی‌همتا- دورافتاده ۶- امانتداران- ستاره پروین- رشته‌هایی از پوست یا ساقه گیاه ۷- عریان- نیم‌صدای سگ- بالش زینتی روی کاناپه- ضمیر جمع ۸- کارگردان فیلم مشهور صورت‌زخمی با بازی آل پاچینو ۹- نامربوط- مسافر سرزمین عجایب- از اجزای درخت- چهره ۱۰- به کمال رسیدن- نوعی انرژی- تکیه‌کلام درویش ۱۱- نظم- لاغر و ضعیف ۱۲- از یاران امام علی(ع) که در جنگ صفین شهید شد- ساز و برگ زین اسب- نابودکردن ۱۳- خبرنامه- به یکدیگر ساییده‌شده- درجه حرارت ۱۴- حشره‌ای خون‌خوار- نام‌ها- شهر کوچکی در فلسطین ۱۵- سرزنش- نامی برای بلبل- از دل پرسوز برآید.

عمودی:

۱- معلم- شهر باستانی و قرمزرنگ اردن- قابلیت ارتجاعی دارد ۲- پیشرفته- با خیر و برکت- وسیله‌ای برای برقراری ارتباط تصویری اینترنتی ۳- ثقیل- نوعی ماشین چاپ خودکار ۴- تیره و کدر- پایتخت کانادا- سوره هفتادوهفتم قرآن ۵- منطقه‌ای سردسیر در شمال روسیه- استان- آزمون چندگزینه‌ای ۶- جانشین هنرپیشه در صحنه‌های خطرناک- واحدی برای اندازه‌گیری طلا و زعفران - از بخش‌های اوستا ۷- پاکیزه‌تر- جانشینی- مخفف مشهدی ۸- مردد- دارای اندازه و شکل یکسان- جانور تک‌سلولی ۹- مخفف اینک- آسمانی- تمام‌کننده ۱۰- امامان- مخزن جمع‌آوری فاضلاب- کلبه ترکمن ۱۱- الی آخر- معشوق- قلب قرآن ۱۲- معمول و مرسوم- له‌شده- دویدن ۱۳- گران‌ترین نخ- صاحب ذوق و عواطف ۱۴- اکنون- نفس برانگیزاننده به بدی- محوکردن ۱۵- کله- نوعی نارنگی- مستبد

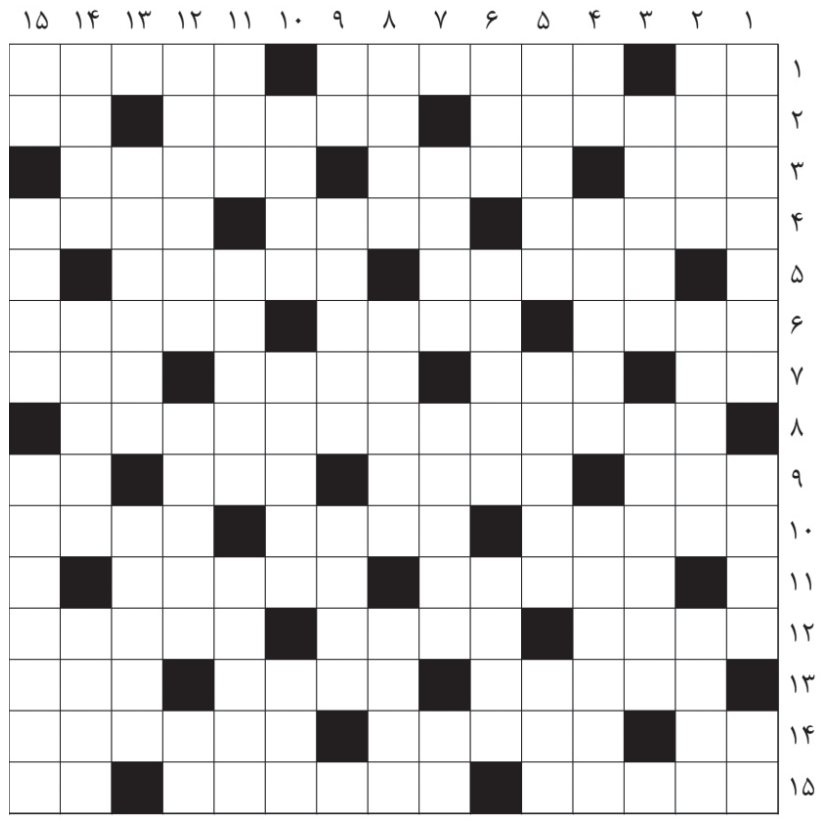

حل سودوکو ۳۸۹۵

۹	۲	۱	۶	۴	۷	۵	۸	۳
۷	۸	۶	۲	۵	۳	۱	۴	۹
۴	۵	۳	۸	۹	۱	۶	۷	۲
۵	۱	۲	۴	۷	۶	۳	۹	۸
۸	۶	۴	۳	۱	۹	۲	۵	۷
۳	۷	۹	۵	۲	۸	۴	۶	۱
۲	۹	۵	۱	۸	۴	۷	۳	۶
۶	۴	۸	۷	۳	۲	۹	۱	۵
۱	۳	۷	۹	۶	۵	۸	۲	۴

۹	۱	۵	۴	۷	۲	۶	۸	۳
۷	۳	۸	۱	۵	۶	۹	۲	۴
۶	۴	۲	۳	۸	۹	۵	۷	۱
۳	۶	۷	۸	۹	۴	۲	۱	۵
۵	۲	۱	۶	۳	۷	۴	۹	۸
۴	۸	۹	۲	۱	۵	۳	۶	۷
۸	۹	۶	۵	۴	۱	۷	۳	۲
۱	۷	۴	۹	۲	۳	۸	۵	۶
۲	۵	۳	۷	۶	۸	۱	۴	۹

حل جدول ۴۸۹۹

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	م	ا	■	ف	ن	ی	■	د	ن	ب	ه	■	ه	ن	ی
۲	س	ت	ا	ر	ه	خ	و	ا	ر	ا	ن	■	م	ی	و
۳	ا	ی	ل	■	ی	د	ک	ی	■	ت	د	ف	ی	ن	■
۴	ب	ه	م	ن	■	ا	ی	م	ا	■	س	ر	ا	ی	ش
۵	ق	■	پ	ی	ا	ن	و	■	ب	س	ی	ا	ر	■	ل
۶	ه	ا	ی	ک	و	■	م	ج	ر	ا	■	ه	ی	و	ا
۷	■	م	ا	ل	ی	ه	■	ا	ه	ر	ا	م	■	س	ق
۸	ه	ی	د	■	ز	ا	م	ن	ه	و	ف	■	ن	ا	ی
۹	ز	ز	■	پ	ه	ن	ا	ب	■	ج	ز	ا	ی	ی	■
۱۰	ی	ش	م	ی	■	و	ر	ی	د	■	ا	م	و	ل	ن
۱۱	م	■	س	ر	ت	ی	پ	■	ا	د	ر	ا	ک	■	ه
۱۲	ت	و	ت	و	ن	■	ل	و	ل	و	■	م	ا	ن	ا
۱۳	■	ع	د	ی	د	ه	■	ق	ا	ی	م	■	س	ا	ن
۱۴	ب	ی	ع	■	ر	ی	ک	ا	ر	د	و	ا	ل	و	ز
۱۵	ه	د	ی	■	و	ز	ی	ر	■	ن	ر	د	■	ک	ا

سودوکو سخت ۳۸۹۶

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

							۲	
۹				۲	۸			
۸		۳			۴		۷	
	۷	۸			۶		۹	۵
۵				۹				۲
۲	۶		۴			۳	۸	
	۹		۶			۸		۴
			۵	۴				۱
	۱							

سودوکو ساده ۳۸۹۶

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۳							
	۱	۴	۲				۳	۸
۵	۷	۸			۱	۴	۹	
	۸				۷	۵		
				۸				
		۲	۱				۴	
	۲	۶	۳			۹	۸	۵
۸	۴				۲	۶	۱	
							۲	